

بررسی هویت ملی در روابط ایران و روم (با تکیه بر شعر فارسی قرون چهارم و ششم هـ.ق)^۱

جلیل تجلیل*

حسین علی پاشا پاسندی**

E-mail: pasha_ha@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۴

چکیده

شعر و ادب فارسی ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و هویت ملی ایرانیان دارد. این سخن گزاره نیست اگر بگوییم آثار ادبی فارسی شناسنامه تاریخی ملت ماست. زیرا بسیاری از اطلاعات تاریخی سرزمین خود را از راه مطالعه ادب فارسی به ویژه شاهنامه فردوسی به دست می آوریم. یکی از موارد مؤثر در شناخت هویت ملی، آگاهی از چگونگی روابط گذشته ما با دیگر سرزمین هاست. اگرچه هویت امری اختصاصی برای یک فرد یا یک جامعه است؛ اما به مرور زمان رشد می کند و برای بالندگی بهتر به ارتباط با دیگران نیازمند است. در این پژوهش ضمن تعریف هویت و هویت ملی، اندکی از ارتباطات گذشته دو کشور ایران و روم مطالعه شده و با تقسیم این روابط به سه دسته دشمنانه، دوستانه و بینابین (گاه دشمنانه و گاه دوستانه) موضوع هویت ایرانی در روابط دو ملت بررسی شد. در این مقاله روابط دو سرزمین را از نوع بین بین معرفی کرده ایم و شاخصه های آن را در پنج مورد مذهبی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و هنری همراه با شاهد - مثال هایی از اشعار شاعران ایرانی قرن های چهارم تا ششم هجری قمری نشان داده ایم.

کلیدواژه ها: ایران، روم، هویت ملی، شعر فارسی، روابط خارجی.

۱. این مقاله از رساله دکتری نویسنده مسئول با موضوع «بررسی مشهورات در ادبیات منظوم فارسی از قرن چهارم تا قرن ششم هجری قمری» که در واحد علوم و تحقیقات تهران در حال اجرا می باشد، استخراج شده است.
* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، نویسنده مسئول

مقدمه و طرح مسئله

ایرانیان به دلیل پیشینه پربار ملی و تاریخی و برخوردار بودن از فرهنگی والا، برای رشد و تعالی هرچه بیش تر خویش از همان آغاز شکل گیری تمدن ایرانی، هزاران سال قبل از متفکرانی چون ابن خلدون که معتقد بود «انسان نمی تواند همه لوازم زندگی را بدون همکاری با دیگری فراهم سازد» (مولانا، ۱۳۸۴: ۷). دریافتی بودند که باید با اقوام و سرزمین های دیگر پیوستگی های فکری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی داشته باشند؛ زیرا «ارتباط انسانی منشاء فرهنگ به عنوان زمینه و مبنای حرکت و ارتقای انسانی است. فقدان ارتباط، به معنای سکون نسبی در حیات انسانی و مانعی در راه هر نوع تعالی اجتماعی است» (ساروخانی، ۱۳۶۷: ۱). در متون تاریخی و ادبی ما به بسیاری از این ارتباط ها اشاره شده که برای دریافت بخش بزرگی از آنها، زبان و شعر فارسی به دلیل دیرینگی و فراگیری، منبع بسیار مناسبی می باشد؛ چون «زبان به عنوان مهم ترین مؤلفه توانش ارتباطی^۱ حامل و حتی سازنده اندیشه بوده و ربط وثیقی با هویت دارد» (نصری، ۱۳۸۷: ۶۵). شعر نیز، به عنوان نوباوه زبان با هویت رابطه محکمی دارد و بسیاری از بارزهای هویتی ملت ها را در خود جای داده است. شاید بتوان به درستی ادعا کرد که شعر گذشته فارسی در این زمینه یک استثناست؛ زیرا از قرن چهارم خاصه با ظهور شاهنامه، شعر، نماینده بخش بزرگی از روند تکوین و تکامل هویت ملی ایرانیان شد. در شعر این دوره از نظر لفظ و محتوا به اساطیر، وقایع و روابط تاریخی ایرانیان توجه شد. احیا و پاسداشت بسیاری از ارزش های کهن ایرانی در میان ایرانیان آزاده به عنوان یک سنت در آمد و باعث شد تا شاعران غیر وابسته به بسیاری از این حقایق مستقیم یا غیر مستقیم بپردازند.

در سیر تکاملی هویت ملی، موارد بسیاری نقش دارند که یکی از مهم ترین آنها برقراری روابط با دیگران است. به قول برخی محققان «هویت ملی و قومی مانند هویت فردی جمعی در کشاکش تصور ما از دیگران شکل می گیرد؛ بنابراین خودآگاهی از «هستی ما» با آگاهی از «هستی دیگران» همراه است» (ر.ک: فلاحی، ۱۳۹۰). به همین دلیل آگاهی از هویت ملل دیگر و بررسی نحوه ارتباطات جامعه خود با دیگر ملت ها باعث می شود تا از جنبه های پنهان هویت ملی خویش نیز بهتر آگاه شویم؛ لذا این پژوهش با هدف شناخت چگونگی روابط ایرانیان با رومیان در قبل اسلام، با توجه به

1. Communicative competence

اشعار فارسی سروده شده در قرون چهارم تا ششم هـ ق صورت می‌گیرد تا از این طریق بتوانیم عوامل مؤثر بر ساختار هویتی دو جامعه را با توجه به روابطشان دریابیم.

پیشینه پژوهش

در مورد پیشینه این پژوهش باید گفت که در اغلب متون تاریخی نظیر تاریخ طبری، مسعودی، یعقوبی و... تا حدودی به روابط ایران و روم و جنگ‌های طولانی بین این دو قدرت اشاره شده و به طور مشخص در برخی منابع بر برتری ملی و تمدنی ایرانیان بر رومیان گواهی داده شده است اما نخستین کتابی که تاریخ این روابط را بهتر از سایرین آشکار می‌کند، *شاهنامه* فردوسی است که شاعر در دو بخش اساطیری و تاریخی به چگونگی روابط ایران و روم می‌پردازد و در قسمت تاریخی این ویژگی پررنگ‌تر است. در دوره‌های اخیر چند اثر به طور مشخص در این زمینه پدید آمده که از جمله آن می‌توان کتاب *ادیان شرقی در امپراتوری روم* از فرانتس کومون را نام برد. وی در این کتاب بر این نظر است که: مطالعاتی که در حال حاضر درباره تاریخ آن دوره انجام می‌شود، هرچه بیش‌تر نشان می‌دهد که روم تضعیف شده [در زمان ساسانیان] به مقلد ایران تبدیل شده بود» (کومون، ۱۳۷۷: ۱۳۱).

پژوهش دیگری که می‌توان آن را تا حدودی به این موضوع مرتبط دانست، کتاب *سرزمین جاوید* اثر مشترک موله، هرتسفلد و گیرشمن است و نویسندگان در جلد چهارم این کتاب به توسعه اقتصادی ایران پیش از اسلام و کالاهای صادراتی ایران به اروپا و از جمله روم می‌پردازند. هم‌چنین احمد حاج‌بابایی در پایان‌نامه خود با عنوان *روابط ایران ساسانی با بیزانس (روم شرقی)* به بررسی روابط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ایران ساسانی با دولت بیزانس پرداخته است و بالاخره محمدرضا پورجعفر و خانم فریناز فریبود در مقاله مشترک خود با عنوان «بررسی تطبیقی منسوجات ایران ساسانی و روم شرقی (بیزانس)» پس از ترسیم پیش‌زمینه‌های تاریخی، سیاسی و هنری و ارتباط امپراتوری ساسانی و روم شرقی با روش تاریخی، تحلیلی و مقایسه‌ای به بررسی چگونگی تأثیر بافته‌های ساسانی بر منسوجات بیزانس پرداخته‌اند که همگی این آثار ما را به وجود روابط بین ایران و روم رهنمون می‌شوند. هرکدام از این آثار صرفاً به بُعدی از ابعاد این روابط اشاره کرده‌اند؛ لیکن مسئله اصلی در پژوهش حاضر این است که در سیر تکوینی هویت دو جامعه، ارتباط دو حکومت چگونه مؤثر

بوده است؟ از این نظر این پژوهش می‌خواهد نگاه تازه‌ای به این مسئله داشته باشد که تا حد زیادی نشان دهنده جایگاه هویت ملی در روابط دو امپراتوری است. در این پژوهش ضمن توجه به متون تاریخی سعی خواهد شد تا روابط ایران و روم از خلال کتب نظم فارسی قرون چهارم تا ششم هـ ق بررسی شود و تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی بر فرهنگ و تمدن رومی در آیین شعر فارسی در حد امکان مشخص شود و به فراخور برخی از بخش‌های مقاله به تأثیرگذاری ایرانیان بر رومیان اشاره شود.

پرسش‌های پژوهش

۱. داشتن روابط با دیگران در تکوین هویت ملی چه نقشی دارد؟
۲. روابط ایران و روم در طول تاریخ چگونه بود؟
۳. با توجه به شعر فارسی قرون چهارم تا ششم هجری قمری روابط ایران و روم در گذشته در روند شکل‌گیری هویت ملی دو جامعه اغلب در چه جنبه‌هایی مؤثر بوده است؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. برقراری ارتباط با دیگر جوامع در تکوین هویت ملی تأثیرگذار است.
۲. روابط ایران و روم به ویژه قبل از اسلام با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بوده است.
۳. با توجه به شعر فارسی و گواهی تاریخ، روابط ایران و روم در روند تکامل هویت ملی دو ملت به‌ویژه در ابعاد مذهبی، اقتصادی و سیاسی مؤثر بود.

روش پژوهش

این پژوهش، بر اساس ماهیت و روش جزء پژوهش‌های تاریخی محسوب می‌شود که گردآوری اطلاعات در آن به روش کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد. مهم‌ترین ابزار ثبت داده‌ها، برگه (فیش) است و در مواردی از رایانه و منابع الکترونیکی نظیر نرم‌افزار درج سه استفاده شده است. در این پژوهش که پژوهش کیفی محسوب می‌شود داده‌ها با شیوه مقایسه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد، به نحوی که ابتدا میزان کاربرد کلمه روم را در مقایسه با اسامی چند کشور نظیر چین، هند، مصر و یونان می‌سنجیم و مشخص می‌کنیم که کاربرد کلمه روم بیش از نام دیگر کشورها در متون نظم دوره مذکور آمده است؛ این امر حاکی از اهمیت این کشور در نزد ایرانیان می‌باشد و در این پژوهش تا حدودی به آن پرداخته شده است: (جدول شماره ۲). برای استخراج ابیاتی که در آنها

واژه روم آمده، جایی که کتاب‌های شعری در دسترس بود، مستقیماً به آنها رجوع کردیم و در صورت عدم دسترسی به اصل برخی از کتب، از نرم‌افزار درج سه استفاده کردیم و نتایج آماری را در جدول‌های شماره یک و دو آوردیم.

مفهوم هویت

هویت در لغت به معنای «هستی، وجود و آنچه موجب شناسایی شخص باشد» (معین، ۱۳۷۱: ۵۲۲۸) آمده است. درباره چستی هویت ملی تعاریف متعددی ارائه شده است. اما تعریف دقیق، جامع و صریحی از هویت صورت نگرفته است و مشکلاتی بر سر راه این تعریف وجود دارد. به اعتقاد برخی «هویت، چارچوب^۱ و افقی^۲ است که به وسیله آن می‌توانیم موضع و جهت‌گیری خود را مشخص کنیم. وجود یک چارچوب و افق دید به فرد و گروه کمک می‌کند تا در مورد موضوعات، داوری کرده و آنها را خوب، ارزشمند و تحسین برانگیز معرفی نمایند» (نصری، ۱۳۸۷: ۶۷). در فرهنگ علوم سیاسی درباره واژه هویت آمده: «این واژه، بیانگر چه کسی بودن است که از احتیاج بشر به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی یا جایی ناشی می‌شود. سرزمین، تاریخ، زبان، ادبیات، دین، ساختار سیاسی، فرهنگ و هنر مشترک از جمله عناصر تشکیل دهنده هویت شمرده می‌شوند» (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶: ۳۰۵). در جایی دیگر گفته شده که مفهوم هویت ملی «به‌عنوان مفهومی علمی از ساخته‌های علوم اجتماعی است که از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به جای خلق و خوی و خصیصه ملی^۳ رو به گسترش نهاده است» (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۷). هویت ملی همان‌گونه که از عنوان آن مشخص است، مجموعه ویژگی‌هایی است که موجب تمایز جامعه‌ای از جامعه‌های دیگر می‌شود؛ لذا می‌توان آنرا چنین تعریف کرد: «هویت ملی، عبارت از احساس تعلق و تعهد اعضای آن جامعه به رموز و نمادهای فرهنگی؛ شامل هنجارها، ارزش‌ها، زبان، دین، ادبیات و تاریخ است و در نتیجه موجب تمایز آن از دیگر جوامع و هم‌چنین انسجام و همبستگی اجتماع بزرگ ملی می‌شود» (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۸). بر اساس این تعریف می‌توان ادعا کرد که مفهوم هویت ملی با زبان و ادبیات ارتباط نزدیکی دارد. در چگونگی پیدایش هویت ملی نظرات مختلفی ابراز شده است؛ از جمله ونتوز به نقل از کاستلز ظهور هویت ملی را معلول تعامل تاریخی چهار دسته از عوامل دانسته است که عبارتند از:

۱. عوامل نخستین مثل قومیت، خط و زبان؛
۲. عوامل تکوینی مثل توسعه ارتباطات

1. Frame

2. Horizon

3. National Character

و فناوری و شکل‌گیری شهرها، ظهور ارتش‌های مدرن و حکومت‌های پادشاهی متمرکز؛ ۳. عوامل القایی مثل زبان در قالب دستور زبان رسمی، رشد دیوان‌سالاری و استقرار نظام آموزشی ملی؛ ۴. عوامل واکنشی به معنای دفاع از هویت‌های تحت ستم و منافع انقیاد شده از سوی گروه اجتماعی حاکم که محرک جستجو برای هویت‌های جایگزین در حافظه جمعی است (ر.ک: دایی‌زاده جلودار، ۱۳۹۰).

این سخن به بسیاری از مؤلفه‌های هویت ملی اشاره دارد که در آن دو عامل مهم؛ یکی قومیت و خط و زبان و دیگری توسعه ارتباطات و ارتش سنگ بنای هویت ملی شناخته می‌شوند. لذا برای درک درست از مفهوم هویت ملی یک جامعه باید به جوانب متعددی توجه کرد و مطالعه تاریخ، زبان و ادبیات در این رابطه بسیار مهم می‌باشد. ارتباط با جوامع دیگر به پویایی فرهنگ، تمدن، زبان و ادبیات یک جامعه کمک کرده و در شکل‌گیری، رشد و تعالی هویت ملی مؤثر می‌باشد؛ در دایره‌المعارف علوم اجتماعی نیز بر این مطلب تأکید شده که «حرکت تمدن بشر، به معنای بسط شعاع ارتباط انسان‌هاست» (ساروخانی، ۱۳۶۷: ۱۲). بنابراین از راه‌های شناخت هویت ملی یک سرزمین، آشنایی با نحوه ارتباط آن سرزمین با دیگر ملت‌هاست که در ادامه ضمن معرفی کوتاهی از انواع روابط بین سرزمین‌ها به مطالعه چگونگی روابط ایران و روم می‌پردازیم.

انواع ارتباط بین ملل

جامعه‌شناسان ارتباط اجتماعی را به انواعی چون ارتباط مستقیم، جهانی، احساس‌انگیز، معطوف به هدف، بازتابی و... تقسیم می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۶۷: ۱۵-۲۰). به نظر نگارنده در میان ملل سه نوع رابطه می‌توان قائل شد که عبارتند از: ۱. روابط دشمنانه^۱؛ ۲. روابط دوستانه^۲؛ ۳. روابط بینابین^۳ (گاه دشمنانه و گاه دوستانه)

روابط دشمنانه

در روابط دشمنانه عمدتاً قوم یا اقوامی، سرزمین یا سرزمین‌هایی به دنبال اهداف سودجویانه و قدرت‌طلبانه سعی دارند تا به قوم یا اقوام، سرزمین یا سرزمین‌های دیگر حمله‌ور شوند و آنها را زیر سلطه خود درآورند.

روابط دوستانه

در این نوع رابطه بین دو کشور یا دو قوم، صلح و دوستی حاکم است، روابط طرفین

1. Hostile relations

2. Friendship relations

3. Halfway relations

بر اساس احترام متقابل تنظیم می‌شود و دو مملکت سعی می‌کنند تا از تضییع حقوق یکدیگر بپرهیزند. این نوع رابطه باعث پیشرفت دو ملت از جهات مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی و... می‌شوند.

روابط بینابین

این نوع ارتباط، از ضابطه خاصی پیروی نمی‌کند. دو ملت در کنش و کشش متقابلند. گاهی با هم به رقابت یا دشمنی می‌پردازند و برای تضعیف و تسلط بر یکدیگر به ابزارهای مختلف اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی دست می‌یازند و زمانی هم بر سر اهداف مشترک متحد می‌شوند و یا در اثر ضعف قوا و یا جنگ در جبهه دیگر، معاهدات صلحی بین خود جاری می‌کنند و روابط دشمنانه را به مراودات دوستانه بدل می‌سازند.

روابط ایران و روم

بدیهی است که از ابتدای هستی، انسان‌ها با هم در ارتباط بوده‌اند به گونه‌ای که «نوعی رابطه هم‌زیستی، تمام مردم را به هم مربوط می‌سازد. هیچ ملت، گروه یا فرهنگی نمی‌تواند کناره‌گیر (جدا) یا خودمختار (مستقل) باقی بماند» (سامووار و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۷). بنابراین ایرانیان و رومیان نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند و در طول تاریخ روابطی با همدیگر داشته‌اند که اغلب از نوع رابطه سوم یعنی بین بین بوده است؛ پس از بررسی حدود بیست و هفت دفتر شعر فارسی، پی بردیم که بیش از هزار و صدبار کلمه روم و مشتقاتش در خلال اشعار این دفترها آمده است که از نظر شمار در مقایسه با کشورهای چین، هند، مصر، یونان و یمن بالاترین میزان کاربرد را به خود اختصاص داده است (جدول شماره ۱) دقت در همین نکته می‌تواند اهمیت روابط ایران و روم را برای ما آشکار سازد. در میان این بیست و هفت دفتر شعری، بسامد کاربرد کلمه روم و مشتقاتش در شاهنامه بیش‌تر از دیگر دفترهاست و دیوان‌های امیر معزی، فرخی، خاقانی و قطران تبریزی در رده‌های بعدی قرار می‌گیرد (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۱ که فراوانی کاربرد کلمه روم و مشتقاتش را در ۲۷ کتاب شعری که نامشان در جدول شماره ۲ آمده، نشان می‌دهد.

شماره	نام کشور	شمار نام کشورها و مشتقاتشان در دفاتر شعری
۱	چین	۱۰۰۰ بار
۲	روم	۱۰۴۳ بار



۳	مصر	۲۴۳ بار
۴	هند	۸۱۰ بار
۵	یونان	۳۷ بار

جدول شماره ۲ که در آن میزان کاربرد واژه روم و مشتقاتش در دفاتر شعری مشخص شده است.

شماره	نویسنده	کتاب	روم	شماره	نویسنده	کتاب	روم
۱	ازرقی هروی	دیوان اشعار	۶	۱۵	فردوسی	شاهنامه	۵۵۵
۲	انوری	دیوان اشعار	۹	۱۶	فلکی شروانی	دیوان اشعار	۱
۳	بخاری، عمیق	دیوان اشعار	۱	۱۷	قطران تبریزی	دیوان اشعار	۴۰
۴	بیلقانی	دیوان اشعار	۱۱	۱۸	قوامی رازی	دیوان اشعار	۵
۵	خاقانی	دیوان اشعار	۴۰	۱۹	کسایی مروزی	دیوان اشعار	۱
۶	دقیقی توسی	گشتاسپنامه	۵	۲۰	گرگانی، فخرالدین اسعد	ویس و رامین	۱۷
۷	رودکی	دیوان اشعار	۱	۲۱	لبیبی	دیوان اشعار	۱
۸	رونی	دیوان اشعار	۱	۲۲	مختاری غزنوی	دیوان اشعار	۲۰
۹	سنایی	دیوان اشعار	۱۵	۲۳	مسعود سعد	دیوان اشعار	۳۰
۱۰	سنایی	حدیقه	۱۹	۲۴	معزی، عبدالملک	دیوان اشعار	۱۶۰
۱۱	سوزنی	دیوان اشعار	۹	۲۵	منوچهری	دیوان اشعار	۱۰
۱۲	عسجدی	دیوان اشعار	۱	۲۶	ناصر خسرو	دیوان اشعار	۱۸
۱۳	عنصری	دیوان اشعار	۷	۲۷	نظامی	دیوان اشعار	۱۵
۱۴	فرخی سیستانی	دیوان اشعار	۴۵	جمع			۸۷۳
جمع			۱۷۰	جمع کل			۱۰۴۳

روابط دو قدرت مذکور را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) روابط ایران و روم از منظر اسطوره‌ها؛ ب) روابط ایران و روم در متون معتبر تاریخی

الف) روابط ایران و روم از منظر اسطوره‌ها

ریشه ارتباط ایران و روم، مطابق اساطیر ایرانی و روایت شاهنامه به عصر فریدون برمی‌گردد. آنجا که فریدون قلمرو فرمانروایی خود؛ یعنی سه ناحیه ایران، روم و توران را به ترتیب بین فرزندانش ایرج، سلم و تور تقسیم می‌کند:

نهفته چو بیرون کشید از نهان به سه بخش کرد آفریدون جهان

یکی روم و خاور دگر ترک و چین
نخستین به سلم اندرون بنگرید
دگر تور را داد توران زمین
از ایشان چو نوبت به ایرج رسید

سیم دشت گردان و ایران زمین
همه روم و خاور مراو را سزید ...
ورا کرد سالار ترکان و چین ...
مراو را پدیر شاه ایران گزید

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۵۸-۵۹)

با توجه به متن شاهنامه سرزمین‌های روم، ترک و چین ابتدا جزئی از خاک ایران بوده‌اند که فریدون آنها را بین پسرانش تقسیم می‌کند. نکته ظریفی که فردوسی مطرح می‌کند، تسلط ایرانیان بر سرزمین‌هایی چون روم و توران (ترک و چین) بوده که پس از تجزیه آنها، فرمانروایان روم و توران، فرومانروای جوانمرد ایران؛ یعنی ایرج را از بین می‌برند و با این کار، بنای جنگی طولانی را - به‌ویژه بین ایران و توران - می‌نهند. از این روایت نتیجه می‌گیریم که ارتباط اولیه ایران و روم ارتباط دشمنانه بوده است. ماجرای دیگری که در شاهنامه حاکی از ارتباط ایرانیان و رومیان است، داستان گشتاسپ می‌باشد که به دلیل ناراحتی از پدرش لهراسپ به روم می‌رود:

از ایران سوی روم بنهاد روی
به دل گاه‌جوی و روان راه‌جوی

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۸۸۹)

در روم با کتیون - دختر پادشاه روم - ازدواج می‌کند و گرگ و اژدها را که باعث رعب و وحشت رومیان بود، می‌کشد و پادشاه خزر - الیاس - را نابود می‌کند. در این داستان، فردوسی روح پهلوانی و قدرت ایرانی را در برابر قوم رومی به زیرکی آشکار کرده و نشان می‌دهد که چگونه شاهزاده ایرانی یاریگر قیصر و مردم روم در رهایی از بلا شده است. زیرا همواره گذشت و برخورداری از روحیه دلاوری از خصایل ایرانیان بوده که این دو صفت برجسته به ترتیب در شخصیت ایرج و گشتاسپ نمود می‌یابد.

ب) روابط ایران و روم در متون معتبر تاریخی

در کتاب‌های معتبری چون *تاریخ طبری*، *تاریخ یعقوبی* و *تاریخ مسعودی* به روابط ایران و روم اشاراتی شده است. در مورد ریشه روابط ایران و روم گفته شد که قبل از پادشاهان ساسانی و اشکانی، هخامنشیان مرزهای ایران را تا داخل خاک روم گسترش داده بودند و ارتباطاتی با رومیان داشتند که با حمله اسکندر به ایران، مرزهای کشورمان مقداری محدود شد. اشکانیان نیز با رومیان روابطی داشتند. «وقتی که اشکانیان با رومی‌ها مواجه شدند، در ابتدا زبان یونانی را استعمال می‌کردند؛ ولیکن از جهت ارتباط زیاد با رومی‌ها و توقف شاهزادگان اشکانی در روم، بعدها زبان و تمدن رومی نیز در

دربار اشکانی نفوذ یافت» (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۱۷۷). براساس منابع تاریخی بین ایران و روم نزاع‌های طولانی برقرار بود که زمینه‌ساز پیدایش روابطی بین دو کشور شد؛ زیرا «وقتی دو تمدن بیش از هزار سال با یکدیگر برخورد داشته باشند، مبادلات بی‌شماری بین آنها صورت می‌گیرد» (کومون، ۱۳۷۷: ۱۲۸). در حقیقت جنگ‌های طولانی باعث جدایی کامل دولت‌ها از همدیگر نشد. مبادلات تجاری که پس از جنگ‌ها رونق می‌گرفت، از دلایل ارتباط دو کشور بود. از قرائن تاریخی آشکار است که «ایران، تأثیر شدیدی بر نهادهای سیاسی و ذوق هنری رومیان و هم‌چنین آرا و عقاید آنان برجا نهاد» (همان: ۱۳۲). این تأثیر را می‌توان به چند قسمت مذهبی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و هنری محدود کرد که هر کدام از اینها می‌تواند به‌عنوان یک شاخص در تشکیل هویت یک جامعه مطرح باشد، و در اینجا به اجمال دربارهٔ هر یک از آنها سخن خواهیم گفت.

عامل مذهبی

یکی از اصلی‌ترین تأثیرگذاری‌های فرهنگ و هویت ملی ایرانیان بر دیگر جوامع را می‌توان در زمینهٔ مذهبی دانست. پس از فتوحات کوروش و داریوش، یونانیان توجه ویژه‌ای به اعمال و عقاید ایرانیان نشان دادند و رومی‌ها نیز پس از آن که «با عقاید مزدایی که در انزوای کوهستان‌های آناتولی به بلوغ رسیده بود، آشنا شدند، این عقاید را با شور و حرارت پذیرفتند» (کومون، ۱۳۷۷: ۱۳۷). عقاید زرتشتی و مهرپرستی به سرعت در سراسر غرب گسترش یافت، تا جایی که حتی با ورود مسیحیت در روم، دفاع از باورهای مذهبی ایرانی به‌ویژه «ثنویت ایرانی تا قرون وسطی در ایالت‌های روم باستان همواره باعث کشمکش‌های خونین بود» (کومون، ۱۳۷۷: ۱۳۲). اوج تأثیر مذهبی ایران بر روم در دورهٔ پارتیان بود؛ زیرا «در دوران اقتدار پارتیان که مناسبات ایران با یهودیان دوستانه و قدرت سیاسی ایران در بین‌النهرین مسلط بود، تأثیر آیین ایرانی بیش‌تر شد و آموزه‌های زرتشت در سراسر منطقه از مصر تا دریای سیاه انتشار یافت» (عرفان‌منش، ۱۳۸۹: ۴۱۶). هرچند تأثیرپذیری رومیان از ادیان ایرانی به گواهی برخی مورخان مسلم است؛ اما این که چرا شاعران فارسی به این تأثیر مذهبی در اشعارشان اشاره نکرده‌اند، شاید به چند دلیل باشد: ۱. علاقهٔ شعرای ایرانی به حقانیت اسلام و باطل دانستن غیرمسلمانان؛ ۲. تأثیرپذیری از سیاست‌های حاکم زمان؛ ۳. عدم آگاهی کافی از تاریخ قبل از اسلام و یا بی‌توجهی به وقایع آن دوران؛ در هر حال شاعران ایرانی از نظر مذهبی، رومیان را قبول نداشته و اغلب با تحقیر از گرایش دینی آنان یاد می‌کردند:

پای جفت پای بند و سر رفیق پالهنگ (قطران، بی تا: ۱۹۵)	آوری دل خسته بطریقان روم و روس را
در روم از این روی پرستند چلیپا (مسعود سعد، ۱۳۸۴: ۴۲)	از مشک چلیپاست برآن رومی رویت
چون کافر روم بر در گنجه (منوچهری، ۱۳۸۷: ۳۶۷)	نظاره به پیش درکشیده صف
گویی از راهبان ناقوس است (انوری، ۱۳۷۶: ۵۶۷)	مردکی اشقر است و رومی روی
شود خدای پرست آن که عابد الوثن است (معزی، ۱۳۶۲: ۸۴)	نسیم طاعت تو گر رسد به هند و به روم
کنم آیین مطران را مطرا (خاقانی، ۱۳۷۵: ۴۲)	دبیرستان نهم در هیکل روم
آیین بت بتگری از دیدن آن بود (سنایی، ۱۳۷۵: ۳۹۴)	بنمود رخ و روم به یک بار بشورید

عامل سیاسی

از جمله موارد هویت‌ساز، ساختار سیاسی است. ایرانیان به دلیل برخورداری از فرهنگی والا به وحدت جهان و اصل مشترک هستی معتقد بودند و به ملل مغلوب احترام می‌گذاشتند و این سیاست بزرگوارانه باعث کشش حکام و ملل دیگر به سوی ایرانیان می‌شد؛ لذا از نظر سیاسی نیز تأثیر ژرفی بر سیاست رومیان داشته‌اند که البته در طول زمان با شدت و ضعف همراه بود ولی با روی کار آمدن گالریوس در روم این تأثیر بسیار زیاد شد. «گالریوس با صراحت اعلام کرد که الگوی حکومت مطلقه ایرانی باید در امپراتوری روم رایج شود» (کومون، ۱۳۷۷: ۱۳۱). بدین ترتیب از طریق عوامل حکومت‌های ایرانی برخی رسم‌ها و نهادها مانند «رسم حمل کردن آتش مقدس در پیشاپیش قیصرها به نشان جاودانگی قدرت ایشان که به زمان داریوش تعلق داشت» (کومون، ۱۳۷۷: ۱۲۸) به دربار روم راه یافت. برای درک روابط سیاسی بین دو دولت، کتاب شاهنامه فردوسی، سند خوبی است. مطابق قول فردوسی در دوره انوشیروان؛ زمانی که خیر مرگ قیصر به کسری می‌رسد، کسری پیام تسلیتی به دربار روم می‌فرستد؛ اما قیصر جوان، فرستاده کسری را تحقیر می‌کند:

جوان نیز بر مهتر نشست
پرسید ناکام پرسیدنی
فرستاده را نیز نبسود دست
نگه کردنی سست و کژ دیدنی

یکی جای دورش فرود آورید

بدان نامه پادشاه ننگرید

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۱۵۹۳)

قیصر با این گستاخی باعث می‌شود تا انوشیروان به روم حمله‌ور شود و پس از مدتی، رومیان خسته از جنگ برای صلح پیش قدم می‌شوند و انوشیروان آنها را مورد احترام قرار می‌دهد:

شهبشاه چون دید بنواختشان

به آیین یکی جایگه ساختشان

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۱۵۹۷)

با دقت در این واقعه، می‌توانیم به بزرگ‌منشی ایرانیان در نوع رفتار با مردم شکست‌خورده پی ببریم؛ چیزی که کاملاً با شیوه برخورد رومیان با ملل مغلوب تفاوت دارد. «رومیان رابطه خود را با ملل دیگر صرفاً به صورت رابطه غالب و مغلوب می‌دیدند و برای غیررومی‌ها احترامی قایل نبوده و حتی عقیده داشتند که این ملل به سهم خود حق حیات ندارند» (افشاری، ۱۳۸۸: ۶۶). مورخین به رفتار جوانمردانه هخامنشیان به‌ویژه کوروش کبیر با اقوام مغلوب فراوان اشاره کردند که نشانه یک حقیقت تاریخی و موروثی از خصایل نیکو و پهلوانانه ایرانیان فرهنگمند دارد؛ چنان‌که در اساطیر ایرانی نیز «رفتاری که منوچهر در ابتدای جنگ با لشکریان سلم و تور می‌کند و آنها را می‌بخشاید و رفتار کاووس و کی‌خسرو با سربازان توران و پردگیان افراسیاب متفاوت است با روش جنگ‌های قدیم» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۱: ۳۱).

در ماجرای جنگ ایران و روم در عصر انوشیروان فرستادگان رومی برای پوزش از شاه ایران، بر این نکته تأکید می‌کنند که قیصر جوان و کم‌تجربه است و برای خوش آمد شاه ایران، خودشان را باژده و بنده شاه ایران می‌خوانند و می‌گویند که ای شاه، روم جزء ایران است و نباید این دو سرزمین را از هم جدا دانست:

چنین گفت گوینده پیشرو

که ای شاه قیصر جوانست و نو

پدر مرده و ناسپرده جهان

ندانند همی آشکار و نهان

همه سر به سر باژدار توایم

پرستار و در زینهار توایم

تو را روم، ایران و ایران چو روم

جدایی چرا باید این مرز و بوم

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۱۵۹۳)

در بعضی از کتب تاریخی نیز به عهدنامه صلح انوشیروان و امپراتوری روم شرقی که به نوعی روم را خراج گزار ایران کرد، اشاره شده است (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۱۰). نکته مهم در روابط ایران و روم این است که ایران - جز در دوره کوتاه اسکندر و جانشینانش - اغلب بر روم غالب بود و رومیان به ایرانیان باج می‌دادند؛ لذا شاعران

ایرانی بارها به خراجگزاری رومیان به ایرانیان در اشعارشان اشاره کردند:

تو پیش صف رومیان در جهادی	بل از باژ و از ساوشان در جهازی
به شام والی بگماشت تا فرستد حمل	به روم حامل بنشانند تا گزارد مال
ز نزدیک دارا پیامد به روم	کجا باژ خواهد ز آباد بوم
از جنس کارگاه نشاپور و کار روم	بر من خراج روم و نشاپور خوار کرد
یک تهنیت برای خراج تمام روم	یک تهنیت برای خراج تمام چین
چو گنج خانه روم است روی تربت او	ز سیم و نقره و یاقوت و زر مشت افشار

(قطران، بی تا: ۴۰۳)
 (معزی، ۱۳۶۲: ۴۰۹)
 (فردوسی، ۱۳۷۷: ۱۸۲۸)
 (خاقانی، ۱۳۷۵: ۱۲۶)
 (فرخی، ۱۳۸۸: ۳۳۹)
 (عنصری، ۱۳۶۳: ۱۰۴)

جدا از موارد مذکور درباره روابط دو پادشاهی در تاریخ آمده که: «طرفین، سفرای دائمی در دربار یکدیگر نداشتند و هر زمان لازم می شد، سفیری برای مذاکرات می فرستادند؛ ولی عادت بر این جاری شده بود که شاهان ساسانی و امپراتوران روم شرقی، جلوس خود را به تخت به یکدیگر اطلاع بدهند. در نامه‌ها، شاه و امپراتور یکدیگر را برادر خطاب می کردند» (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۴۶). مطابق روایت پیرنیا در جنگ و گریز میان ایران و روم، اغلب ایران مسلط می شد و در زمان یزدگرد اول «امپراتور روم شرقی، تحت حمایت یزدگرد درآمد» (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۱۹۷) و تئودوس پسر آرکادیوس تربیت شده یزدگرد اول بود (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۱۹۷).

عامل اقتصادی

با توجه به موقعیت ویژه ایران، این کشور از نظر اقتصادی نیز پیشرفت‌های بسیاری داشت و حتی در سازماندهی نظام اقتصادی بر دیگر ملل برتری داشت به گونه‌ای که از نظام مالیاتی خاصی برخوردار بود و حتی کلمه بانک از واژه بنکه ایرانی اقتباس شده است. ایرانیان در زمینه‌های راه‌سازی، کشاورزی و... با فکر خلاق خود نوآوری‌هایی کردند که باعث تقلید دیگران شد. موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران و گذشتن جاده ابریشم از این سرزمین باعث شد تا مردم سرزمین‌های شرق و غرب به ایران نگاه ویژه‌ای داشته باشند. «در دوره ساسانیان تجارت رونقی داشت؛ زیرا ایران یگانه راه

ارتباطی بین یونان، روم و آسیای وسطی از طرف دیگر بود» (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۴۵) طبیعی است که با برخورداری از چنین موقعیتی، اقتصاد ایران نیز متحول شده و محل عرضه بسیاری از کالاهای کشورهای دیگر قرار گیرد و در مقابل کالاهای ایرانی نیز در دنیای آن روز مشهور شود؛ به دلیل این موقعیت استراتژیک بسیاری از کالاهای دیگر کشورها، به خصوص کالاهای رومی در ایران از شهرت به سزایی برخوردار شد. در زمان سلطنت اردوان «به واسطه گرامتی که رومی‌ها به ایران پرداختند، طلای زیادی به ایران وارد شد. سکه‌های طلای رومی را آثوری^۱ می‌نامیدند» (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۱۷۹). بعدها مشخص می‌شود که «سکه‌های طلای ساسانی در زمان شاپور اول و دوم موافقتی با سکه‌های طلای رومی داشته» (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۲۴).

از میان کالاهای رومی که شاعران ایرانی در اشعار خود از آنها نام برده‌اند، منسوجات رومی نظیر دیبا، قبا، حریر، اطلس، جامه، قرطه و... عمدتاً بسیار مشهورتر از سایر کالاها بودند. با وجود این باید متذکر شد که «در بازارهای اروپا، رومی‌ها نمی‌توانستند با منسوجات ابریشمی و نخی ایرانی رقابت کنند» (موله و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۳۱۷-۲۳۱۸). و این قبیل کالاها خود معرف بخشی از هویت ملی ایرانی که از آن می‌توانیم به هویت اقتصادی تعبیر کنیم، بوده است. از میان کالاهای رومی، منسوجات به خصوص واژه دیبا بیشتر از سایر بافته‌ها در شعر شاعران فارسی به کار رفته است که نشانه هویت اقتصادی رومیان نیز می‌باشد و برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

- با قرطه رومی همه چون بدر منیرند
بر مرکب تازی همه چون باد وزانند
(معزی، ۱۳۶۲: ۱۷۸)
- یکی دیبا طرازیدم نگاریده به حکمت‌ها
که هرگز تا ابد ناید چنین از روم دیبایی
(ناصر خسرو، ۱۳۸۶: ۴۹۶)
- زان که بشناسند بزآزان زیرک روز عرض
اطلس رومی و شال ششتری از بوریا
(سنایی، ۱۳۷۵: ۵۰)
- بمانند برجا درفش بلند
ابا کوس خرگاه رومی پرند
(مختاری، ۱۳۸۲: ۸۰۲)
- ثوب عتابی گشته سلب قوس قزح
سندس رومی گشته سلب یاسمنا
(منوچهری، ۱۳۸۷: ۷)
- باغ طری ستبرق رومی کند همی
بربر همی قلاده ز فرقد کند همی
(منوچهری، ۱۳۸۷: ۲۰۳)

جدا از منسوجات، دیگر کالاهای رومی هم دارای شهرت بودند که شماری از آنها از جمله قالی رومی در شعر فارسی آمده است. از دیرباز فرش ایرانی در جهان نماد هنر و اقتصاد ایرانی بوده و در این صنعت، ایرانیان همواره بر دیگران برتری داشته‌اند و حتی گفته شده که «بعد از این که امپراتوری روم صغیر به وجود آمد، کاخ امپراتوری روم صغیر با فرش‌های ایران مفروش گردید» (موله و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۳۱۸). در مقابل رومی‌ها نیز در این صنعت دستی داشتند و شاعران ایران زمین نیز به فرش‌های رومی در خلال اشعارشان توجه نشان داده‌اند؛ ضمن این که این نکته را باید متذکر شد که احتمالاً رومی‌ها در این فن نیز مانند بسیاری از فنون مقلد ایرانی‌ها بودند:

خار مغیلان مرا چو قالی رومی است برگ درختان مرا چو دیبه مرقون

(مسعود سعد، ۱۳۸۴: ۳۲۸)

بساط غالی (قالی) رومی فکنده‌ام دو سه جای در آن زمان که به سویی فکنده‌ام محفور

(فرخی، ۱۳۸۸: ۱۹۷)

حجره‌ای کاندروست ریع نم قالی رومی و نهالی خز

(سوزنی، ۱۳۳۸: ۵۳)

بر همه دشت و که فراز و نشیب فرش روم است و حله کمان

(مسعود سعد، ۱۳۸۴: ۳۷۱)

جدا از فرش دیگر کالاهای رومی مانند قفل و کلید، زیج و ملحم نیز شهرتی داشته و در شعر فارسی وارد شده‌اند:

قفل رومی برگرفت از درج روز چون کلید هندوان بنمود صبح

(خاقانی، ۱۳۷۵: ۶۳۴)

کلید رومی و قفل الانی ز پولادی زده هندوستانی

(گرگانی، ۱۳۴۹: ۲۸۰)

به صلاب کردند ز اختر نگاه هم از زیج رومی بچستند راه

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۱۲۹۷)

بیاورد صلاب و اختر گرفت یکی زیج رومی به بر در گرفت

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۱۲۳۰)

آن یکی را داد ابر از رایت مصری ردا وین دگر را داد باد از ملحم رومی ثیاب

(معزی، ۱۳۶۲: ۷۴)

عامل نظامی

یکی از عوامل هویت‌ساز ملت‌ها، شاخصه نظامی است که اکثر کشورهای مقتدر سعی

می‌کنند از آن در حد توان بهره‌مند شوند. شناخت توانمندی‌های نظامی کشورها هم باعث آشنایی با میزان توانمندی‌های آنان می‌شود و هم عامل حرکت به سوی کسب ابزار و توانمندی‌های دفاعی بیشتر می‌شود، مسئله‌ای که ایرانیان از زمان‌های دور به آن آگاهی داشتند؛ به‌خصوص اگر این مسئله مرتبط به کشور رقیبی چون روم باشد. لذا می‌بینیم که در برخی از اشعار فارسی خصیصه‌های نظامی رومیان انعکاس یافته که در دو مقوله قابل مطالعه است: یکی عوامل انسانی و دیگری کالاهای نظامی.

۱- عوامل انسانی: نظامیان هستند و اغلب به دو شکل غالب و مغلوب در شعر فارسی وارد شده‌اند که برای هر دو مورد مثال‌هایی می‌آوریم:

الف) اشعاری که در آنها سربازان و لشکریان و شاهان رومی در برابر لشکریان ایران ناتوان تلقی می‌شوند که بیش‌تر در اشعار مدحی و گاهی در شعر حماسی اتفاق می‌افتد و در واقع برتری نظامی، هویتی و ملی ایرانیان را به طرزی رندانه آشکار می‌سازد؛ مانند این ابیات:

از آن لشکر روم چندان بکشت	که گفتی فلک تیغ دارد به مشت
(فردوسی، ۱۳۷۷: ۱۰۹۴)	
گر تو یکی پیام فرستی به شاه روم	آید به سر به خدمت دارالسلام تو
	(قطران، بی‌تا: ۴۹۹)
گشت قصر بندگانش قلعه‌های شاه هند	قصرهای قیصران روم همچونان بود
	(عنصری، ۱۳۶۳: ۳۱)
به روم از پی خدمت توست شاهها	همه شهر دیبا برافکنده قیصر
	(فرخی، ۱۳۸۸: ۱۴۹)
آن که گرد از قیصر رومی برانگیزد به تیغ	و آن که بنشانند به روم اندر یکی لشکر تویی
	(معزی، ۱۳۶۲: ۶۲۹)
خداوندی که خاک پای او را	به دیده درکشد در روم قیصر
	(عمیق‌بخاری، بی‌تا: ۱۶۰)

ب) ابیاتی که در آنها از سربازان و سواران رومی تعریف شده و عمدتاً در شاهنامه آمده است:

بفرمود کز روم وز هندوان	سواران جنگی گزیده گوان
	(فردوسی، ۱۳۷۷: ۶۸۲)
از آن لشکر روم بگریخت اوی	به دام بلا در نیاویخت اوی
	(فردوسی، ۱۳۷۷: ۱۱۹۸)

سپه بود رومی عدد صد هزار

سواران جنگ آور و نامدار

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۱۶۱۷)

۲- ابزار نظامی: دو امپراتوری بزرگ گذشته در دنیا، یکی ایران و دیگری روم به خوبی می‌دانستند که مهم‌ترین ابزار قدرتمندی و تسلط بر نقاط مختلف برخوردار از ابزار جنگی کارآمد است. لذا هر دو قدرت آن روزگار از این ویژگی سود می‌بردند و بعضاً از وسایل جنگی یکدیگر استفاده می‌کردند. لذا بسیاری از وسایل جنگی رومی نظیر خفتان، کلاه، درع، ترگ و... در ایران معروف بوده و شاعران آنها را در شعر خود به کار برده‌اند که چند نمونه را در این جا ذکر می‌کنیم:

نهان کرد گیسو به زیر زره بزد بر سر ترگ رومی گره

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۲۶۴)

جوشن چینی به تیر بر تن فغفور دوخت مغفر رومی به گرز بر سر فیصر شکست

(انوری، ۱۳۷۶: ۹۱)

چه از جوشن و ترگ و رومی زره گشادند مر بندها را گره

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۷۰)

برت را به خفتان رومی پیوش برو دل پر از جوش و سر پر خروش

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۴۷۲)

ز خاور سپاهی گزین کرد شاه سپردار با درع و رومی کلاه

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۷۷۲)

نکته جالب در خصوص کالاهای نظامی این است که نام اغلب این کالاها در شاهنامه آمده که با ماهیت حماسی این کتاب هماهنگی و سنخیت دارد.

عامل هنری

همان‌گونه که سخن‌گستر بزرگ توس گفته است: «هنر نزد ایرانیان است و بس» باید در این زمینه نیز ایرانیان را برتر از رومی‌ها دانست. در بسیاری از هنرها، نظیر معماری و مجسمه‌سازی رومی‌ها از ایرانی‌ها تأثیر گرفته‌اند؛ البته این بدان معنا نیست که ایرانی‌ها در خلق آثار هنری خود از آثار هنرمندان رومی متأثر نشده باشند؛ لکن سندی عینی از تأثیرپذیری هنرمندان رومی از آثار هنر ایرانیان وجود دارد که همانا مجسمه به جا مانده از امپراتور هنردوست روم، آگستوس^۱ و یا اوکتاین است که با دقت در این مجسمه می‌توان فهمید که «در حقیقت هنر مجسمه‌سازی امپراتوری روم در این زمان از لحاظ روانی تحت تأثیر هنر مجسمه‌سازی ایران قرار گرفته است» (غلامی، ۱۳۴۷: ۲۴۹).

1. Augustus

علاوه بر موارد ذکر شده، یکی از مهم‌ترین عواملی که ما را از چگونگی تکامل تدریجی فرهنگ و هویت‌مان آگاه می‌کند، جامعه‌شناسی تاریخی است. از طریق چنین مطالعه‌ای به نحوه زندگی، امکانات و ساختار اجتماعی پیشینیان خود پی برده و درمی‌یابیم که ایرانیان در زندگی خود اغلب از غلامان و کنیزان غیر ایرانی سود می‌برده‌اند و در این میان کنیزان و غلامان و پرستاران رومی و چینی و ترک بیشتر مورد توجه بوده‌اند. این نکته به برتری ایرانیان، نظام ارباب و نوکری رایج در جامعه ایرانی و غلبه ایرانیان بر اقوام دیگر حکایت دارد که طبق سنت قدما بسیاری از افراد جوامع مغلوب را جهت غلامی و کنیزی به خدمت می‌گرفته‌اند و این خصیصه در شعر فارسی نیز بازتاب یافته است. اینک با توجه به موضوع بحث، چند بیتی را برای نمونه ذکر می‌کنیم:

- | | |
|--------------------------------|-------------------------------|
| پرستار چینی و رومی غلام | پراز مشک و عنبر دو پیروزه جام |
| (فردوسی، ۱۳۷۷: ۵۱۳) | |
| غلام و پرستار رومی هزار | یکی طوق پرگوه‌ر شاهوار |
| (فردوسی، ۱۳۷۷: ۱۲۵۱) | |
| ز رومی کنیزک چو سیصد به بر | دگر هرچه باید همه سر به سر |
| (فردوسی، ۱۳۷۷: ۱۱۲۸) | |
| بدین دو خادم چالاک رومی و حبشی | درم خرید و خاتون خرگه سنجاب |
| (خاقانی، ۱۳۷۵: ۷۸) | |
| نه غلامان رومی و خزری | نه کنیزان بزمی و خانی |
| (سوزنی، ۱۳۳۸: ۸۸) | |
| ز چینی و ز رومی ماهرویان | همه کافور رویان مشک مویان |
| (گرگانی، ۱۳۴۹: ۱۰۸) | |
| آراسته سرای تو همچون بهار چین | از رومیان چاپک و ترکان سعتری |
| (فرخی، ۱۳۸۸: ۳۸۲) | |

نتیجه‌گیری

هویت ملی، مفهومی کلی است که مشخصه‌های مختلف یک جامعه؛ از قبیل مذهب، اقتصاد، قوای نظامی، هنر و... را دربرمی‌گیرد و جوامع گوناگون نیز برای تکامل و پیشرفت هویتی، نیازمند برقراری روابط و داد و ستد در عرصه‌های مختلف با یکدیگر می‌باشند. ایرانیان و رومیان نیز ارتباطاتی در طول تاریخ با هم داشته‌اند که گاهی جنگ باعث قطع این روابط می‌شد که علائم و نشانه‌های آن را در متون تاریخی و ادبی

شاهدیم. برای بررسی روابط ایران و روم، پس از دقت در اشعار فارسی سروده شده در قرون چهارم تا ششم دریافتیم که روابط دو سرزمین در ابعاد مذهبی، اقتصادی، نظامی و هنری نمود بیشتری داشت؛ هم‌چنین در اشعار دوره مذکور، نوعی مضامین سلطه‌گرایانه وجود دارد که از پیشینه تاریخی توانمندی ایرانیان و برتری ایران بر روم و خراج‌گزاری رومیان به ایرانیان حکایت دارد؛ این نکته در اشعاری که در مدح شاهان سروده شده، بیش‌تر مشهود است. مطلب قابل ذکر این‌که روابط با رومی‌ها به‌خصوص در زمینه‌های مذهبی و اقتصادی در بخشی از تاریخ هویت ملی ما مؤثر بوده؛ ولی سهم ایرانیان در صدور هویت مذهبی، سیاسی و اقتصادی به روم و تغییر این ساختارها در روم بسیار فراوان بوده که اکثراً با هوشیاری و مهارت توأم بوده و شاعران نیز به آن پرداخته‌اند. در شاهنامه این روابط به‌گونه‌ای رقم می‌خورد که رومیان اغلب در جایگاه ضعف قرار می‌گیرند. در مجموع باید اعتراف کرد که این روابط، هویت ملی و شخصیتی جامعه ایرانی را به صورتی غیرمحسوس تکامل بخشیده و در شعر فارسی نیز به طرز معتدلی نمود می‌یابد؛ شخصیتی که در آن آزادگی و برتری‌طلبی با نوعی صمیمیت و احترام در روابط با ملل دیگر همراه است.

منابع

- آقابخشی، علی‌اکبر و مینو افشاری‌راد (۱۳۸۶)؛ *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: چاپار.
- اسدی‌توسی، ابونصر علی بن احمد (۱۳۵۴)؛ *گرشاسب‌نامه*، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران: کتابخانه طهوری.
- اسلامی‌ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۱)؛ *ایران و جهان از نگاه شاهنامه*، تهران: امیر کبیر.
- افشاری، علی‌رضا (۱۳۸۸)؛ «جهان‌بینی کهن امروزی، راهبردی امروزی»، در *تمدن ایرانی؛ فراسوی هزاره‌ها*، به اهتمام مجتبی مقصودی و ماندانا تیشه‌یار، تهران: تمدن ایرانی، صص ۵۵-۸۶.
- انوری‌ابیوردی، محمدبن محمد (۱۳۷۶)؛ *دیوان اشعار*، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، دو جلد، تهران: انتشارات عملی و فرهنگی.
- پورجعفر، محمدرضا و فریناز فریود (۱۳۸۶)؛ «بررسی تطبیقی منسوجات ایران ساسانی و روم شرقی (بیزانس)»، *مجله دانشکده هنرهای زیبا*، دوره ۳۱، ش ۳۱، [چکیده مقاله].
- پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن (۱۳۸۳)؛ *تاریخ ایران (تاریخ قبل از اسلام)*، تهران: نامک.
- حاج‌بابایی، احمد (۱۳۷۱)؛ *روابط ایران ساسانی با بیزانس (روم شرقی)*، استاد راهنما شیرین بیانی، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه تهران.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۷۵)؛ *دیوان اشعار*، ویراسته میرجلال‌الدین کزازی، دو جلد، تهران: مرکز.

- دایمی زاده جلودار، امین (۱۳۹۰/۵/۱۱): «مؤلفه‌های هویت ملی با تأکید بر ایران و کشورهای مشترک‌المنافع»، قابل دسترسی در: <http://drdaeezadeh.blogfa.com/post-6.aspx>
- ساروخانی، باقر (۱۳۶۷): *جامعه‌شناسی ارتباطات*، تهران: اطلاعات.
- سامووار، لاری ا. و ریچارد ای. پورتر و لیزا ا. استفانی (۱۳۷۹): *ارتباط بین فرهنگ‌ها*، ترجمه غلام‌رضا کیانی و اکبر میرحسینی، تهران: باز.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۷۵): *دیوان اشعار*، تهران: نگاه.
- سوزنی سمرقندی، محمدبن علی (۱۳۳۸): *دیوان اشعار*، تصحیح ناصرالدین شاه‌حسینی، تهران: امیرکبیر.
- عرفان‌منش، جلیل (۱۳۸۹): *کوروش و بازیابی هویت ملی*، تهران: فرهنگ مکتوب.
- عمیق بخاری، شهاب‌الدین (بی‌تا): *دیوان اشعار*، تصحیح سعید نفیسی، تهران: کتاب فروشی فروغی.
- عنصری، حسن بن احمد (۱۳۶۳): *دیوان اشعار*، تصحیح سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران: سنایی.
- غلامی، همایون (۱۳۹۰/۴/۲۷): «شاهدی زنده بر روابط هنری ایران و روم»، *پورتال جامع پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ش ۱۷، کد مطلب ۶۹۷۰، قابل دسترسی در: <http://www.ensany.ir/fa/content/6970/default.aspx>
- فرخی سیستمی، علی بن جولوغ (۱۳۸۸): *دیوان اشعار*، تصحیح سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران: زوآر.
- فردوسی، ابوالقاسم حسن (۱۳۷۷): *شاهنامه بر اساس چاپ مسکو*، تهران: سوره.
- فلاحتی، نرگس (۱۳۹۰/۵/۱۰): «هویت ملی و کار ویژه‌های آن»، *نشریه دانشجویی وطن یولی*، دانشگاه تهران، قابل دسترسی در: <http://vatanyoli.blogfa.com/post-97.aspx>
- قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۸۶): *دیوان اشعار*، به اهتمام جهانگیر منصور، تهران: نگاه.
- قطران تبریزی، ابومنصور (بی‌تا): *دیوان اشعار*، به اهتمام حسین آهی، تهران: خزر.
- کومون، فرانتس (۱۳۷۷): *ادیان شرقی در امپراتوری روم*، ترجمه ملیحه معلم و پروانه عروج‌نیا، تهران: سمت.
- گرگانی، فخرالدین اسعد (۱۳۴۹): *ویس و رامین*، تصحیح ماگالی تودوا و الکساندر گواخاریا، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مختاری غزنوی، عثمان بن عمر (۱۳۸۲): *دیوان اشعار به انضمام شهریارنامه*، به اهتمام جلال‌الدین همایی، تهران: علمی و فرهنگی.
- مسعود سعد سلمان (۱۳۸۴): *دیوان اشعار*، به اهتمام پرویز بابایی، تهران: نگاه.
- معزی نیشابوری، محمد بن عبدالملک (۱۳۶۲): *کلیات دیوان اشعار*، تصحیح ناصر هیری، تهران: پگاه.
- معین، محمد (۱۳۷۱): *فرهنگ فارسی*، شش جلد، تهران: امیرکبیر.
- منوچهری دامغانی، ابوالنجم احمدبن قوص (۱۳۸۷): *دیوان اشعار*، به کوشش برات زنجانی، تهران: دانشگاه تهران.
- مولانا، حمید (۱۳۸۴): *اطلاعات و ارتباطات جهانی: مرزهای نو در روابط بین‌الملل*، مترجمان اسدالله آزاد، محمد حسن‌زاده و مریم اخوتی، تهران: کتابدار.
- موله، ماریژان؛ هرتسفلد، ارنست و رومن گیرشمن (۱۳۸۹): *سرزمین جاوید*، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، چهار جلد، تهران: نگارستان کتاب.
- میرمحمدی، داود (گردآوری و تدوین) (۱۳۸۳): *در گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- نصری، قدیر (۱۳۸۷): *میانی هویت ایرانی*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.